



آداب حرب مغول در تاریخ جهانگشای جوینی

DR. RUKIYYE HİMMETİ* -DR. ABDULLAH VELİPUR*

Öz

Tatar ulusunun Cengizhan'ın çıkışından sonra bedevi yaşamları gereği yaşamın çeşitli alanlarında uyguladıkları özel töreleri ve adetleri vardı. Bu törelerin en önemlisi Atâmelik Cuveynî'nin, Moğol sarayında uzun süren varlığı nedeniyle çok iyi bildiği ve hemen hemen tamamını *Tarih-i Cihanguşa'* da aktarmış olduğu Moğol askeri strateji ve savaş töreleriydi. Bu makalede tarih ve edebiyat alanındaki araştırmacılara Moğol ulusu tarihinin karanlık köşelerinin aydınlanması amacıyla bu edebiyat tarihi değerli eserden faydalanılarak Moğolların savaş adetleri ve törelerini sunmaya çabaladık.

Anahtar Kelimeler: Adetler ve töreler, Moğol, *Tarih-i Cihanguşa'*, Savaş, savaş stratejisi.

ABSTRACT

Tatar people after the insurrection of Genghis Khan, due to their primitive life had special Customs in different fields of life. One of the most important customs. was the Mongol campaign that Atamalek Joveyni because his continued present in Mongolian court had great knowledge about them. and almost all of them have written in «Tarikhe Jahangsha». In this paper, using this valued historical – literary text. we exploit all Mongolian customs to clear the dark corners of the Mongolian people history, for researchers of history and literature.

* DR. RUKIYYE HİMMETİ, Peyâm-i Nur Üniversitesi Fars Dili ve Edebiyatı Öğretim üyesi. Email: ro.hemmati@yahoo.com

* DR. ABDULLAH VELİPUR, Peyâm-i Nur Üniversitesi Fars Dili ve Edebiyatı Öğretim üyesi. Email: vabdollah@yahoo.com.

Key words: Customs, Mogul, Tarikhe Jahangoshaye Joveyni War.

چکیده

قوم تاتار پس از خروج چنگیزخان به اقتضای زندگی بدوی خود دارای آداب و رسوم خاصی در زمینه‌های مختلف زندگی بودند. از جمله مهم‌ترین این آداب، آداب جنگ و لشکرکشی مغول بود که عظاملک جوینی به دلیل حضور طولانی خود در دربار مغولان از آن‌ها آگاهی زیادی داشته و تقریباً تمامی آن‌ها را در تاریخ جهانگشا آورده است. در این مقاله با استفاده از این متن گران‌سنگ تاریخی- ادبی به استخراج آداب و رسوم حرب مغولان می‌پردازیم تا گوشه‌های تاریک از تاریخ قوم مغول بر پژوهشگران عرصه تاریخ و ادبیات روشن شود.

کلید واژه‌ها: آداب و رسوم، مغول، تاریخ جهانگشا، جنگ و لشکرکشی و...

مقدمه

دوره تسلط مغول بر آسیای شرقی و به ویژه ایران و ممالک اسلامی تا مرزهای اروپا و به دنبال آن تشکیل دولت عظیم ایلخانان، یکی از شگفت‌انگیزترین ادوار تاریخ جهان است. حمله مغول و تسلط آن قوم بر ممالک اسلامی را عصر زوال و انحطاط و سقوط فرهنگ و تمدن اسلامی دانسته‌اند. می‌توان گفت که این عصر در تاریخ دوره اسلامی نقطه عطف اساسی است. با هم‌مرز شدن دولت امپراطوری چنگیزخان با حدود قلمرو سلطان محمد خوارزمشاه، روابط این دو کشور نخست دوستانه و طبیعی بود ولی به دنبال آن، قتل و کشتار تجار مغولی در اترار توسط حاکم آنجا، عداوت و خصومت چنگیزخان را نسبت به این مناطق برانگیخت. البته تاریخ نویسان علل اساسی دیگر را نیز در این حملات خانمانسوز چنگیزخان به این مناطق برشمرده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها روحیه خاص جهانگشایی چنگیزخان بود. وی بهانه‌ای می‌جست تا این هدف و آرزویش را به منصفه ظهور بنشانند. اغلب مورخین از نوع لشکرکشیها و تخریب مناطق مختلف توسط مغولان مطالبی در کتابهایشان آورده‌اند که در این میان تاریخ جهانگشای جوینی یکی از مهم‌ترین آنهاست. به جهت حضور جوینی در اکثر وقایع آن زمان، مطالب این کتاب موثق و قابل اعتماد است. لذا نگارنده با در نظر داشتن این مهم

پس از بررسی سه جلد تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح علامه محمد قزوینی، به مواردی از این نوع لشکرکشی و تخریب‌ها دست یافت که در سایر کتابهای نوشته شده در این زمینه، کمتر به چشم می‌خورد. لذا در طی این مقاله به تمام آنها پرداخته می‌شود.

تشکیلات سپاهی مغولان

چنگیزخان به سپاه به عنوان عاملی بزرگ در جنبش گسترش طلبانه و تسخیر ممالک اطراف، به دلیل روحیه جهانگشایی خود، اهمیت خاصی معطوف می‌داشت. وی از روی نمونه‌های دیرینه مغول برای ترتیب و تنظیم لشکر شیوه‌ای را انتخاب کرد که در دوره‌های بعدی یعنی دوره قآن‌ها نیز سرمشق قرار گرفت. نظر به اهمیت لشکرکشی‌های مغول در تسخیر سرزمین‌های مختلف، در این مقاله مواردی که به ترتیبات لشکری مغول، مناصب لشکری و شیوه لشکرکشی و نوع جنگ و انواع اسلحه و همچنین رفتار مغول با مردمان مناطق غارت شده، مربوط هستند، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- ترتیبات و دسته بندی لشکریان

قشون چنگیز به لشکرهای ده هزار نفری که هرکدام را یک تومان می‌گفتند، تقسیم می‌شد. هر تومان منقسم بود به ده قسمت هزار نفری (هزاره) و هر هزاره به ده قسمت صد نفری (صده) و هر صده به ده، دهه. کوچکترین واحد سپاه را دهه تشکیل می‌داد که در تحت فرماندهی یکی از سپاهیان قرار داشت و از گروههای امیران، یک نفر، امیر صد نفر و از گروه امیران صد، یک نفر امیر هزار نفر و همینطور تا امیران گروه ده هزار نفری که امیرتومان نامیده می‌شدند، و همگی با هم سپاهی واحد را تشکیل می‌دادند. در تاریخ جهانگشای جوینی نیز به مواردی از ترتیبات لشکر مغول به همین شیوه بر می‌خوریم. چنانکه جوینی در معرفی لشکرگاه مغول می‌نویسد: «و عرضه گاه و شمار لشکر را وضعی ساخته اند که دفتر عرض را بدان منسوخ کرده اند و اصحاب و نواب آنرا معزول. تمامیت خلق را ده ده کرده و از هر ده یک نفس را امیر نه نفر دیگر کرده و از میان ده امیر یک کسی را امیر صد نام نهاده و تمامیت صد را در زیر فرمان او

کرده و بدین سبب تا هزار شود و به ده هزار کشد، امیری نصب کرده او را امیر تومان خوانند و بدین قیاس و نسق هر مصلحتی را که پیش آید، به فردی یا چیزی احتیاج افتد به امیر تومان حواله کنند، امیر تومان به امیر هزار، برین قیاس تا به امیر ده رسد...» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۲۲)، گویا همین امیر تومان به عنوان عارض لشکر و حاکم آن به شمار می رفته است و به استناد گفته جوینی، دفتر عرض و یا لشکر نویسی موجود نبوده است.

همچنین سپاه مغول در لشکرکشی ها به قسمتهای جناح راست، جناح چپ و قلب و طلایه تقسیم می شدند. در دوره های قبل از مغول نیز این ترتیبات لشکری وجود داشته است. «جناح به معنی بال است و جناح لشکر کناره لشکر است. یعنی آن عده از سپاهان که در یکی از دو جانب چپ و راست موضع گیرند.» (انوری: ۱۳۷۷، ص ۱۲۹) «قلب، میانه لشکر، و هر لشکری پنج جهت دارد. میسره، میمنه، ساقه، قلب» (همان: ص ۱۳۸). «طلایه ظاهراً مأخوذ از طلایه یا جمع آن طلایع است و آن گروهی از سپاهیان بود، که پیشاپیش لشکر حرکت می کرده تا از وضع دشمن آگاه شود.» (همان: ص ۱۳۸) مواردی از اینگونه تعبیه های لشکر مغول در تاریخ جهانگشا آمده است. «چنگیز خان پسران و امرای بزرگ و نونیان و هزاره و دهه و صده را مرتب و مبین کرد و جناحین و طلایه معین و یاسای نو فرمود.» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۶۲). ترتیب لشکر هلاکوخان در حرکت به بلاد غربی نیز به همین شیوه بود. «سوغونجاق نوین و بایجو نوین در مقدمه راست رفته بودند. بر راه اربل، میمنه از راه کوههای شهرروز و دقوق و کیت بوقا نوین و انکیا نوین بر میسره از جانب کریت و بیات و پادشاه در قلب لشکر بر راه کرمان شاهان و حلوان حرکت فرمود.» (همان، ج ۳ صص ۲۸۲ و ۲۸۳).

همچون دوره های پیشین حکومت در ایران، امرای بزرگ و شاهزادگان مغول در قلب لشکر قرار داشته اند. «چون الغ نوین روان شد بر جناحین امرای تعیین کرد و در قلب او به نفس خویش و مقدمه بر سبیل طلایه در پیش انداخت.» (همان، ج ۱ ص

۲- مناصب لشکری**الف - امیر تومان و امیر هزار**

که شرح آنها پیشاپیش آمد، جزو مناصب لشکری بوده اند. امیر تومان، ده هزار نفر و امیر هزار، کسی بوده که هزار نفر از لشکریان تحت فرمان وی بوده اند. فرماندهان یا امیران تومان اغلب از بزرگان مغول بودند که خود ریاست قبیله ای را برعهده داشتند. جوینی می نویسد: « امیرارغون از قبیله اویرات است و پدر او تایجو امیر هزار بود.» (همان: ج ۲ ص ۲۴۲)

ب- رئیس سپاه

رئیس کل سپاه که فرماندهی کل نیروها را علاوه بر شخص فرمانروا برعهده داشت، « در میان مغولان گویا بیگلر بیگی و در میان ایرانیان امیر الامرا یا میر میران می نامیدند » (اشپولر: ۱۳۶۸، ص ۳۳۹) چنگیزخان این وظیفه را برعهده تولی پسر بزرگ خود محول کرده بود. جوینی در ذکر ابنای چنگیزخان آورده: « و تولی را به ترتیب و تولیت جیوش و تجهیز جنود ترجیح نهاده.» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۲۹)

ج- امیر جیوش و سرخیل چریک

گویا امیر گروه سواران لشکر، امیر جیوش یا امیر لشکر نامیده می شد. چنانکه سرخیل چریک پیاده نیز امیر گروه پیادگان لشکر بود. در چند جا از تاریخ جهانگشا نام این منصب آمده. « و لشکر بر شدت صابر، و بر رفاهیت شاکر، و در سرآء و ضراء امیر جیوش را مطواع.» (همان: ج ۱ ص ۲۱)

د- نونیان

« جمع نوین، نویین، نوئین، فرمانده سپاه، امیر ده هزار » (خاتمی: ۱۳۸۰، ص ۱۸۸) و نیز شریک امین، ذیل همین مدخل) گویا نونیان همان فرماندهان سپاه بوده اند که به زبان مغولی نوین نامیده می شدند. جوینی می نویسد: « چنگیزخان پسران بزرگتر و

نوینان را با لشکرهای بسیار به هر موضعی فرستاد.» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۲ ص ۷۶) « هر دو نوین با عددی اندک به خدمت چنگیزخان رفتند.» (همان: ج ۲ ص ۱۳۸)

ه- پیاده و سوار

پیاده و سوار نیز جزو اصطلاحات لشکری دوره مغول بوده که در تاریخ جهانگشا به آن برخورد می‌کنیم و گویا پیادگان در مقابل سوار در جنگ به صورت پیاده جنگ می‌کردند. ناگفته نماند که قسمت اعظم سپاهیان مغول سوارکار بودند و احتمالاً واحدهای پیاده را اسرای جنگی تشکیل می‌دادند.

و- محافظان

در مورد اصطلاحی که به معنی محافظان باشد مطلبی بدست نیامد. جوینی یکبار از محافظان لشکر مغول سخن می‌گوید: « و از لشکر بیرونی بیست هزار مرد بود مقدم ایشان کیوک خان... وقت غروب خورشید با اکثر قوم از حصار بیرون می‌آمد. چون به کنار جیحون رسیدند محافظان طلایه لشکر بر او افتادند و از او اثر نگذاشتند.» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۸۰)

۳- اسلحه و ابزار جنگی مغولان:

سلاح‌هایی که مغولان هنگام کشور گشایی و حمله به مناطق غربی مغولستان داشتند، حاکی از این امر است که آنان سوار کارانی ماهر بوده‌اند و همچنین آهن در اختیار داشته‌اند. اصلی‌ترین سلاح آنها چنانکه از منابع موجود بر می‌آید، تیر و کمان بوده است. آنان از شمشیر نیز به عنوان آلت کشتار استفاده می‌کردند. جوینی از بعضی از سلاح‌های آنان هنگام حمله به ممالک سلطان خوارزمشاه و مناطق مختلف ایران نام می‌برد.

الف- شمشیر

«حربه آهنین و فولادین معروف و آن را انواعی بوده است. شمشیر مهمترین و با ارزشترین حربه در جنگها بوده است.» (انوری: ۱۳۷۷، ۱۴۴)
در تاریخ جهانگشا آمده: «خلایق را که زیر شمشیر جسته بودند شمار کردند.» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۹۵)

ب- منجنیق

«جمع آن مجانیق، آلتی فلاخن مانند و بزرگ که بر سر چوبی تعبیه کنند و سنگ و خاک و آتش را در آن کرده به طرف دشمن اندازند.» (انوری: ۱۳۷۷ ص ۱۴۶) در دوره مغول منجنیق در جنگها بیشتر استفاده می شد و آنها در استفاده از آن آلت، ماهر بوده اند. چنانکه جوینی نیز می نویسد. «چنگیزخان به نفس خویش سوار گشت و تمامیت حشم را بر مدار شهر بداشت و از اندرون و بیرون جنگ را مستعد گشتند و از گشاد منجنیق و کمان، تیر و سنگ پران شد...» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۹۳)

ج- نبط

به عنوان ماده آتش زا در جنگها مورد استفاده قرار می گرفت. مغول در هنگام استخلاص جایی (به ویژه خوارزم) محله ها و کوچه های آنجا را آتش می زدند. «و لشکر به قواریر نبط دور و محلات ایشان می سوختند.» (جوینی ۱۳۸۲: ج ۱ ص ۱۰۰)

د- تیر

«از سلاحهای متداول همه ادوار تاریخ تا این اواخر بوده است و آن چوب راست و باریک بوده با نوکی آهنین و گاه زهر آلود که با کمان پرتاب می کرده اند.» (انوری: ۱۳۷۷، ص ۱۴۶) «و به تیر و منجنیق، خلیق را بر یکدیگر می دوختند» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۱۰۰)

ه- نیزه

« نیزه چوب یا نیی دراز که بر سر آن آهنی نوک تیز تعبیه کرده باشند و آن سلاحی بود که در جنگ بکار می بردند» (معین: ۱۳۷۵، ج ۴ ذیل همین مدخل). « تیر پران بر آن قوم مقدم کردند و بعد از آن شمشیر و نیزه را محکم و ایشان را می راند.» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۹۸)

و- کمان

«و از جانبین تنوره جنگ بتفسید و بیرون منجنیقها راست کردند و کمانها را خم دادند و سنگ و تیر پران شد.» (همان: ج ۱ ص ۸۲)

ز- عراده

« معرب اراده که با آن سنگ بر قلعه ها پرتاب می کردند» (خاتمی: ۱۳۸۰، ۱۴۵) در استخلاص بخار آمده: « و از اندرون عراده و قاروات نطف روان...» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۸۲)

ح- خرک:

«چیزی که بدان رخنه کنند» (خاتمی: ۱۳۸۰، ۱۱۵) وسیله ای بوده برای رخنه کردن و برانداختن برج و باروها و حصار های بلند برای نفوذ در داخل شهرها. « و در چهارم صفر... بظاهر شهر نزول کردند و لشکر بکبس خندق و استعداد آن از خرک و منجنیق و نردبان و غیره آن اشتغال نمودند...» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۶۹)

ط- نردبان:

آلتی از چوب بوده برای صعود به باره های بلند، و برای بالا رفتن از دیوار قلعه ها از نردبان استفاده می کردند. « چون پلها بسته شده و مردان نردبان به حصارها باز نهادند. ایشان نیز در حرکت آمدند...» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۶۹)

ی- کمان گاو

از جمله سلاحها و کمان مخصوصی بود که توسط استادان ختایی ساخته شده بود و لشکریان هلاکوخان در حمله به بلاد غربی از آن استفاده می کردند. « و کمان گاو را که اساتذده ختایی ساخته بودند آماج آن مقدار دو هزار و پانصد گام بر آن کون خران چون جزآن درمان نداشت بر کار کردند...» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۳ ص ۱۲۸)

۴- عدد لشکریان مغول و شیوه انتخاب از بین لشکریان در جنگها

در مورد تعداد سپاهیان مغول اطلاعی دقیقی در دست نیست. از تاریخ جهانگشای جوینی نیز در این مورد، مطلبی بدست نیامده است. گزارشی‌هایی که تعداد سپاهیان کمکی کشورهای تحت نظر مغول را صد هزار یا بیشتر نقل می کنند، بی تردید مبالغه آمیز است. « رشید الدین گزارش می دهد که در زمان صلح صد و بیست و نه هزار سپاهی (قشون) در اختیار مغول بوده، و در هنگام جنگ به یک میلیون و چهارصد هزار تن (چریک) می رسید. طبق محاسبه بارتولد در حمله چنگیز خان به قلمرو خوارزمشاه صد و پنجاه هزار و دویست سپاهی شرکت داشته اند» (اشپولر: ۱۳۶۸، ص ۳۳۹) با توجه به این گزارشها به نظر می رسد که سپاهیان در لشکرکشی‌ها نظر به اهمیت آن لشکرکشی انتخاب می شده‌اند. شیوه انتخاب نیز به گونه خاصی بوده. جوینی شیوه انتخاب لشکر هلاکوخان و همچنین شیوه انتخاب لشکر در زمان کیوک را چنین شرح می دهد. « و در شهر سنه... بر ترتیب تدبیر مصالح برادر دیگر هلاکو اقبال نمود و او را به ضبط جانب غربی نامزد فرمود و بر منوال تنفیذ قبلاهی از لشکرهای غربی و شرقی از هر ده نفر، دو نفر معین شد و از پادشاهزادگان یکی برادر خردتر سبتای اغول را در مصاحبت او موسوم کرد...» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۳ ص ۹۰)

همچنین کیوک « امر فرمود تا از طرف هر پادشاهزاده از ده نفر دو نفر بدو پیوندند و آنچه در آن حدند تمامت بر نشینند و از تازیک از ده، دو برونند...» (همان: ج ۱ ص ۲۱۱)

۵- آداب جنگ و لشکرکشی مغولان

الف- ایلچی فرستادن و به ایلی خواندن

رسم چنگیز خان و دیگر دست نشاندگان وی در حمله به منطقه‌ای اغلب چنین بوده که ایلچی و یا رسول به آنجا می فرستادند و پیشاپیش بزرگان و مردمان آنجا را به تسلیم شدن و ایلی می خواندند. اگر ایل می شدند از تعرض بدانجا دست می کشیدند و در صورت یاغی‌گری یعنی عصیان و نافرمانی، قتل عام، غارت و ویرانی بر مردم آن شهر نازل می شد. یاسای (قانون) چنگیزخان در حمله به جایی چنین بود که «و در امثله که به اطراف می فرستادست و ایشان را به طواعیت می خوانده، چنانکه رسم جبابره بزرگ بودست که بکثرت سواد و شوکت عدت و عتاد تهدید کنند هرگر تخویف نمودست و تشدید وعید نکرده. بلکه غایت انزار را این قدر می نوشته اند که اگر ایل و منقاد نشوند ما آنرا چه دانیم. خدای قدیم داند...» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۱۸) «و چون یاسا و آذین مغول آنست که هر کس ایل و مطیع شد از سطوت و معرت و بأس ایشان ایمن و فارغ گشت و متعرض ادیان و ملل نه اند.» (همان: ج ۱ ص ۱۱)

مواردی از اینگونه رفتار مغولان آورده می شود. «از بخارا حشری بزرگ براند و در راه به هرکجا برسید از دیهها که ایل می شدند تعرض نمی رسانید و هر کجا که ممانعتی می کردند چون سرپل و دبوسییه، لشکر به محاصره آن می ماند.» (همان: ج ۱ ص ۹۲)

«و هر چه بنزدیکی آن بود تمامت ایلچیان فرستادند و ایل کردند و ایلچی به نزدیک رانا فرستاد به اول ایلی قبول کرد بعد از آن ثبات نمود لشکر بفرستاد تا او را بگرفتند و بکشتند.» (همان: ج ۱ ص ۱۰۹)

ب- رسم ترغو و نزل فرستادن ملوک به خان مغول برای اعلام ایلی

ترغو: «طعام و شراب، نزل. غذایی که پیش مهمان آرند [سور و مهمانی] پارچه ابریشمی ظریف و ابریشم قرمز را نیز گفته اند.» (خاتمی: ۱۳۸۰، ۹۸) موقعی که خان مغول به در شهری می رسید و مردم را به ایلی می خواند اگر بزرگان شهر با هدایا و پیشکش یا به اصطلاح مغول با ترغو به استقبال او می آمدند و علفه لشکر و خراج لازم را می دادند، چنگیزخان متعرض شهر آنان نمی شد. چنانکه «چنگیزخان از معبر عبور کرد و متوجه بلخ شد و مقدمان پیش آمدند و اظهار ایلی و بندگی و انواع ترغو و پیشکشی، پیش کشیدند.» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۱۰۳)

ج- مناطق ایل شده می بایست خدمت خان مغول لشکر می فرستادند

به نظر می رسد که این کار نشان ایلی و بندگی بوده است. « هولاکوخان ایلچی به خلیفه فرستاد که گفته ای من ایلم، نشان ایلی آن باشد که چون ما به یاغی برنشیم ما را به لشکر مدد دهی.» (همان: ج ۳ ص ۲۸۰) « چون چنگیزخان به حد قیالیغ رسید از امرای آن ارسلان خان پیشتر به ایلی و بندگی تلقی کرد و از باس سیاست او به تضرع و اصانت نفس و مال توقی نمود و به عاطفت او اختصاص یافته در عداد حشم او با مردمان خویش روان شد و از بیش‌بالیغ ایدی قوت با خیل خود و از المایغ سقناق تکین با مردمان خود که مرد حرب بودند بخدمت او پیوستند و مکثر سواد او شدند. ابتدای کار به قصبه اترار رسیدند.» (همان: ج ۱ ص ۶۳)

د- نوع تخریب و ویرانی مغول در سرزمینهای مغلوب

عموماً دیده می شود که مغول هنگام ایل شدن منطقه ای نیز، به تخریب شهر و فصیل مشغول می شدند. چنانکه در هنگام استخلاص سمرقند توسط لشکر چنگیزخان اهالی، « وقت نماز را در دروازه نمازگاه بگشادند و در عناد در بستند تا لشکر مغول درآمدند و آنروز به تخریب شهر و فصیل مشغول بودند و اهالی شهر پای در دامن عافیت کشیدند و ایشان را تعرضی نمی رساندند.» (همان: ج ۱ ص ۹۴) در ذیل نمونه هایی از نوع ویرانی به دست مغولان آورده می شود.

۱.د- آتش در محله ها انداختن

نوع دیگر از تخریب و ویرانی مغولان آتش انداختن در محله ها و ویرانی شهرهایی بود که ساخت آنها عموماً از چوب بود. « بیشتر از شهر به چند روز سوخته شد. » (همان: ج ۱ ص ۸۲)

۲.د- محاصره کردن و منجیق نصب کردن

شایع‌ترین شیوه حمله مغول به مناطق مختلف محاصره کردن و آلت منجنیق نهادن بود. در ذکر واقعه خوارزم « جغتای و اکتای با لشکری چون سیل در انحداد و مانند عاصفات ریاح در اختلاف برسدند و بر سبیل تفرج در مدار شهر طواف کردند و ایلچیان بفرستند و اهالی شهر را به ایلی خواند و تمامیت لشکر چون دایره بر مرکز محیط شدند... و به ترتیب آلات جنگ از چوب و منجنیق و سنگ مشغول گشت...» (همان: ج ۱ ص ۹۹)

د. ۳- آب بر منازل بستن

شیوه دیگر از ویرانی مغول در شهرها، آب بستن بر محله ها و خانه ها و... بوده است. « چون خبر اضطراب و آشوب بخدمت قآن رسید... فرمان رسانید... از دیار خراسان دیار نگذارند و آب بر منازل و مساکن ایشان بندند. » (همان: ج ۲ ص ۲۲۱)

۶- رفتار مغول با مردمان سرزمینهای استخلاص شده

الف- به صحرا راندن و شمار کردن و سپس قتل عام مردمان

بعد از تخریب مناطق استخلاص شده، مغول را عادت برین بود که مردمان را از زن و مرد و کودک به صحرا می راندند. این کار آنان نوعی سرشماری برای قتل عام بوده است.

البته پس از قتل عام، در بعضی از شهرها مردان جوان را به حشر می بردند. تا به عنوان چریک پیاده در جنگها از آنان استفاده کنند. پس از استخلاص بخار « تمامیت اهالی شهر را از مرد و زن و قبیح و حسن به صحرای نمازگاه راندند. ایشانرا به جان بخشیدند. جوانان و کهول را که اهلیت آن داشتند به حشر سمرقند و دبوسیه نامزد کردند...» (همان: ج ۱ ص ۸۳)

ب- شحنة گذاشتن در شهرها پس از استخلاص جایی

مغول برای حفظ امنیت نظامی شهرهای استخلاص شده و همچنین برای جلوگیری از تعرض به آنها توسط دیگران، بعد از ایل شدن اهالی آن سرزمین یا شهر، شحنة‌ای

با عنوان باسقاق در آنجا می‌گذاشتند. « و باسقاقان که جور ماغون در هر طرف گذاشته بود قراجه و ترکان او را بکشند. » (همان: ج ۲ ص ۲۲۰)
 « و او [جنتمور] را وقت استخلاص خوارزم از قبل خویش باسقاق خوارزم گرداند. »
 (همان: ج ۲ ص ۲۱۸)

ج- مغول به ویژه چنگیزخان طبق یاسای خود اهل صنایع را آسیب نمی‌رسانند.

در هنگام قتل و غارت شهری، مغول به علت علاقه به اهل صنعت و پیشه‌وران آنها را جدا کرده، به مغولستان و یا ترکستان می‌فرستادند. و گویا همین امر موجب جستن آنان از زیر شمشیر مغول بوده است.
 در هنگام استخلاص فناکت: « محترفه و صنایع و اصحاب جوارح را معین کردند و جوانان را از میان دیگران به حشر بیرون آوردند. » (همان: ج ۱ ص ۷۰)
 نیز در استخلاص بخارا « آنچه از شمشیر باز پس مانده بودند از رعایا و ارباب حرف بعضی را به حشر بردند و قومی را جهت حرفت و صنعت... » (همان: ج ۱ ص ۶۶)

د- کسب اجازه و فرمان از چنگیزخان در حمله به جایی

چنانکه از گزارش‌های تاریخ جهانگشا برمی‌آید، لشکریان مغول به هنگام جنگ با جایی مستقیماً از چنگیزخان کسب اجازه می‌کردند. در رویارویی سلطان جلال الدین خوارزمشاه با لشکریان مغول این امر، محسوس است. « آنجا با سلطان مصاف دادند سلطان جلال الدین غالب آمد لشکر مغول با خدمت چنگیزخان رفتند. » (همان: ج ۲ ص ۱۹۶)

و هنگامیکه سلطان محمد برای اولین بار با آنها دچار شد. « لشکر مغول در دامن جنگ چنگ نمی‌زدند و آهنگ کشیده می‌داشتند و می‌گفتند ما را از چنگیزخان اجازه محاربت تو نیست ما به مصلحتی دیگر آمده ایم... » (همان: ج ۲ ص ۱۰۲)

ه- مغول به ویژه چنگیز خان شفاعت بزرگان و ائمه و سادات شهر را می پذیرفتند و به آنها آسیب نمی رساندند

در هنگام استخلاص سمرقند «قاضی و شیخ الاسلام با قومی از دستاربندان چنگیزخان مبادرت نمودند و بریقات مواعید او مستظهر و واثق گشتند.» (همان: ج ۱ ص ۱۹۳)

و- شیوه مال گرفتن از مغلوبین

به هنگام بخشیدن جان مردم مغلوب، چنگیزخان را رسم بر این بود که به عنوان خراج از آنان مال‌های نقد (پول نقد) می‌گرفت و این تکلیف اغلب بر عهده مستظهران و متمولان منطقه ای بود. ناگفته نماند که به قول جوینی «مغول را در ابتدای به زر و جواهر التفاتی نبود. چون جنتمور متمکن شد. این بزرگ اظهار کفایت را مال در دل‌های ایشان شیرین کرد. [به طوریکه] سرمایه همه بلایی ساخته بهر کجا که رسیدی و گذر ایشان بودی جماعتی که ایل شدند مالی بر اهل آن حکم کردی و موضعی که به باس و قتال بگرفتندی، اهالی آنرا شکنجه عقوبت کردند... و جماعتی که برایشان ابقایی در حساب بودی جانها به زر خریدندی.» (جوینی: ۱۳۸۲، ج ۱ ص ۲۶۹)

چنانکه به هنگام استخلاص سمرقند «بر بقایا که اجازه مراجعت یافتند... دوپست هزار دینار بر مستظهران حکم کرد و ثقه الملک و امیر عمید بزرگ را که از کبار مناصب سمرقند بودند به تحصیل آن نامزد...» (همان: ج ۱ ص ۹۶)

البته مغول دارای سایر آداب جنگی نیز بوده اند که با تأمل بیشتر در سایر نوشته ها و کتابهای آن دوره می‌توان به تمام آنها دست یافت. و این امر نیاز به یک تحقیق گسترده دارد که در پژوهش‌های بعدی به آنها می‌پردازیم.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که طوایف مغول که تحت سرکردگی چنگیزخان به ممالک آسیای شرقی و مرکزی و غربی حمله کردند، اشتغال به جنگ و سپاهیگری شغل غالب مردم بود و استادی و مهارت خاصی در آداب تغلب و

تسلط بر دشمنان خود را داشتند. چنگیزخان بعد از آنکه قبایل مختلف را تحت فرمان خود درآورد برای اداره امور کشوری و لشکری خود چندین شغل را معین کرده بود که مشاغل جنگی از مهمترین آنها به شمار می‌رفته است. شیوه لشکرکشی و ساختار سپاه چنگیزخان و آداب و رسوم مربوط به آن از موارد جالب توجهی است که نشان از تیزهوشی و فراست وی دارد. موارد زیادی از این گونه آداب و رسوم در طی این مقاله استخراج شده است و طیف وسیعی از یاساها و قوانین چنگیزخان که در سایر کتب تاریخی به آنها اشاره‌ای نشده است، مورد بررسی قرار گرفت که به خوبی می‌تواند در مطالعات مردم‌شناسی دوره مغول و همچنین روشن کردن زوایای تاریک تاریخ و ادبیات این مرز و بوم مفید باشد.